

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شعر از لاهوتی
فرستنده: جاوید
۲۰ مارچ ۲۰۱۸

عزیز مسکو

یک زمان رفتم به پایتخت فرنگ
روی ایفل! با گروهی دوستان
یک نفر از مردم خاور زمین
شهری اینسان بود اگر در ملک ما
شخص از پارسیان کاین را شنید
آری ، اندر حق این شهر کبیر
با دو تا حرف «اگر» پاریس را
شهر «اگر» ناگه شود آن قدر خُرد
تخم «اگر» با معجزه گردد کلان
خنده ها کردند همراهان من
شخص پارسی به من گفت: ای رفیق
گفتمش : در بحریک شهر دگر
ساخت آن خُردتر از این شهر نیست
من در آن گردیده ام غرق ، ای شگفت
در دلی جا گیرد آن شهر کلان
لیک او بایک «اگر» ، معجز کند
شهر سر افراز ، پاریس قشنگ
دور هم بودیم ما صحبت کنان
گفت : این شهر معظم را ببین!
خلق ما یکسر در آن می کرد جا
گفت با آن آدم شرقی بعید:
ما مثل داریم با مضمون زیر:
می توان در تخم مرغی داد جا
که توان در داخل تخمش برد
آن قدر کاین شهر جا گیرد در آن
من بدهم در فکر ، وقت آن سخن
در چه دریا گشته ای اینسان غریق؟
شهر پُر تاریخ و آثار و هنر
شهر پُر نوری چو آن در دهر نیست
او خودش ، اندر دل من ، جا گرفت
حجم دل ، تنگی ندارد بهر آن
خیمه خود را ، به دشت دل ، زند

پاک ویکرنگ ، از دورنگی ایمن است
همچو تخم مرغ در نفل فرنگ

آن «اگر» این است :اگر دل روشن است
نی برون صاف و درون آن - دورنگ

مسکو ۱۹۴۷

۱ - ایفل : برج ایفل در پاریس